



چگونه افسردگی را در کودکان تشخیص دهیم؟

صفحه ۳

عصر ظلمت، عصر نسل کشی و انکار آن است

صفحه ۴

قیمت تیل و قیمت خون هزاره

صفحه ۴

زندگی یک زن «گلیم پاف»

مرور رمان «گلیم پاف»

صفحه ۵

هدیه بیژن، دختری زاده‌ی افغانستان و مقیم استرالیا، برنده جایزه‌ی نمایشگاه بین‌المللی علوم و انجینیری شد



صفحه ۵

یادداشت روز

وزارت صحت در مقابله با موج سوم کرونا تنها است

در ۲۴ ساعت گذشته با ۵۴ مرگ و ۱۷۲۴ بیمار جدید، بالاترین آمار روزانه ابتلا به کرونا در افغانستان ثبت شد. این بیشترین رقم ابتلا به ویروس و مرگ ناشی از کرونا از آغاز تاکنون در طرف ۲۴ ساعت است. براساس برآورد نهادهای مسئول، سرعت فراگیری شیوع کرونا در موج سوم سرسام‌آور و نگران‌کننده است. البته آمار رسمی وزارت صحت از میزان مبتلایان در موج سوم، تصویر واقعی از وضعیت کرونا در افغانستان نیست. میزان کل مبتلایان بسیار بیشتر از آمار رسمی است. افرادی که علائم بیماری کرونا را دارند تقریباً در هر خانه هستند. تخت‌های شفاخانه‌ها تقریباً مملو از بیمارانی است که علائم کرونا را دارند. شفاخانه‌های اختصاصی کرونایی ظرفیت پذیرش را ندارد. مدیریت رسیدگی به وضعیت بیماران کرونایی در افغانستان در حال از کنترل خارج شدن است. بسترهای شفاخانه‌ها مملو از بیماران شده و کمبود اکسیژن هر روز بیشتر می‌شود. قیمت یک بالون اکسیژن در بازار به بیشتر از ۱۰ هزار افغانی رسیده و صف‌های طولانی شهروندان برای به‌دست آوردن...

۲

عبدالله:

برای وادار کردن طالبان به گفت‌وگوها به همکاری جامعه جهانی و منطقه نیاز است

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که برای وادار کردن گروه طالبان به انجام مذاکرات جدی نیاز به همکاری کشورهای منطقه و جامعه جهانی است.



صفحه ۲

به خشونت کشیدن
تظاهرات در بدخشان؛
دست کم
سه معترض کشته
و ۳۰ معترض
زخمی شده‌اند



۲

نفوس افغانستان در سال ۱۴۰۰،
۳۳.۶ میلیون نفر برآورد شده است

اطلاعات روز: اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات می‌گوید که نفوس کشور در سال جاری خورشیدی (۱۴۰۰) به ۳۳.۶ میلیون نفر برآورد شده است. در اعلامیه‌ی که از سوی اداره‌ی ملی احصائیه...

۲

داکتران بدون مرز:
سیستم مراقبت‌های
صحتی با مشکلات
شهروندان
در افغانستان
سازگار نیست



۲

تعمیر فروشی

یک تعمیر تجارتي به مساحت {316.25 متر مربع} واقع مارکیت میوه {تاجیه 4، کابل -افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

اکسیجن در حال طولانی شدن است. دیروز صبح گزارش شد که شفاخانه اختصاصی کووید ۱۹ در هرات دیگر ظرفیت پذیرش بیمار را ندارد. وضعیت در کابل نیز همین است. حتا شفاخانه‌های عمومی دیگر ظرفیت پذیرش بیمار ندارند. چشم‌دید یک شهروند از یکی از شفاخانه‌های کابل گویای تصویر واقعی از وضعیت جاری است. او می‌گوید پس از ساعت‌ها سرگردانی توانسته یک تخت برای بیمارش برای ۲۴ ساعت با قیمت پنج‌هزار افغانی پیدا کند.

موج اول و دوم مدیریت پاندمی از طرف بالاترین سطح حکومتی اداره می‌شد. در کنار وزارت صحت عامه کمیته‌های اختصاصی دیگر در مدیریت بحران کرونا درگیر بودند. این کمیته‌ها به‌راحتی درباره‌ی راهبردهای اساسی سریع تصمیم می‌گرفتند و اجرا می‌شد. در دوره‌های قبلی، بودجه‌های اختصاصی و صلاحیت‌های کافی برای اداره‌های محلی وجود داشت که برای رسیدگی به‌موقع به نیازمندی‌ها صحتی بی‌تأثیر نبود. همچنین برای آگاهی‌بخشی به شهروندان بیشتر تلاش می‌شد. اما در موج سوم کرونا چنین تلاش‌هایی دیده نمی‌شود. در سایر نهاد‌های حکومتی برای مدیریت بحران موج سوم، نوع بی‌اعتنایی حکم‌فرما است. تقریباً وزارت صحت عامه تنها است. یک ماه است که این وزارت از رسیدن چنین روزی هشدار داد و گلو پاره کرد، اما حکومت جز یکی‌دو اقدام جزئی، کار بنیادی برای اعمال محدودیت گشت‌وگذار و فاصله‌گذاری اجتماعی نکرد. بنابراین، وزارت صحت برای مقابله با کرونا در موج سوم که خطرناک‌تر از دو دور قبل توصیف می‌شود، نیازمند همکاری همه‌ی اداره‌های مهم و تأثیرگذار است.

پیامد تنها ماندن وزارت صحت در میدان مقابله با موج سوم کرونا خطرناک است. این کار به قیمت جان انسان‌های بیشتری تمام می‌شود. نظام بهداشتی ضعیف افغانستان پاسخ‌گوی بحران نسبتاً شدید نیست. همین حالا که گفته می‌شود پاندمی به نقطه اوج خود نرسیده، نهاد‌های صحتی به بیماران کرونایی درست رسیدگی نمی‌توانند. نمونه‌اش کمبود اکسیجن است. مخازن شفاخانه‌ها خالی شده است. وضعیت به جایی رسیده که گفته می‌شود، پذیرش برخی شفاخانه‌ها به بیماران گفته‌اند در صورت بیمار بستری می‌شود که بالون گاز اکسیجن به همراه داشته باشد. در این دور بی‌باوری مردم نسبت به خطر کرونا بیشتر است. با وجود تهدیدات بلند کمتر دیده می‌شود که مردم تدابیر بهداشتی را جدی بگیرند و ماسک بزنند. کل این وضعیت نتیجه‌ی مدیریت ضعیف مبارزه با کرونا و نوعی بی‌تفاوتی در کلیت ساختاری به‌نام حکومت است.



انظاری وجود نداشت که بار دیگر افغانستان در موج سوم کرونا درمانده و مستاصل شود. در حال حاضر ظرفیت آزمایش و درمان، تجربه مدیریت و آگاهی‌بخشی نسبت به دوره‌های قبلی بسیار بهتر است. اگر وزارت صحت در مقابله با موج سوم کرونا در میدان تنها نمی‌ماند، افغانستان می‌توانست با قربانی‌های کمتری این موج را پشت سر بگذارد. اکنون باید کل ظرفیت حکومت برای مهار این بحران به‌کار گرفته شود. ادامه‌ی بی‌تفاوتی این بحران را بزرگ‌تر و شهروندان بیشتری را در کام مرگ می‌کشاند.

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که برای وادار کردن گروه طالبان به انجام مذاکرات جدی نیاز به همکاری کشورهای منطقه و جامعه جهانی است. شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ی گفته است که آقای عبدالله این موضوع را دیروز (سه‌شنبه، ۱۸ جوزا) در پنجمین نشست مجازی تقویت اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح کرده است. در این نشست محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه، سیدسعادت منصور نادری وزیر دولت در امور صلح، محمدمصوم ستانکزی، رییس هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان، سفرا و نمایندگان کشورها

سازمان‌های بین‌المللی مقیم در کابل نیز اشتراک داشته‌اند. به نقل از خبرنگار، او گفته است که همکاری کشورهای منطقه و جامعه‌ی بین‌المللی همچنین برای دست‌یافتن به صلح پایدار و با عزت در افغانستان نیاز است. از سویی هم، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی از افزایش خشونت‌ها و تشدید جنگ در جریان مذاکرات ابراز نگرانی کرده و خواهان ختم خشونت در افغانستان و برقراری آتش‌بس دائمی شده است. او افزوده است که جنگ در افغانستان راه‌حل نظامی ندارد. او همچنین با تأکید بر تعهد جمهوری اسلامی افغانستان برای صلح گفته است که

اگر شرایط «به‌گونه‌ای دیگر» پیش بیاید و از فرصت به‌میان برای گفت‌وگوهای صلح و ختم جنگ استفاده‌ی درست نشود، برای دفاع از کشور آمادگی کامل دارد. در این نشست سایر اشتراک‌کنندگان هم گفته‌اند که از گفت‌وگوهای صلح افغانستان حمایت می‌کنند. این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان دو روز قبل در دیدار با عبدالله عبدالله گفته بود که زمان آن است تا طرف‌های درگیر در افغانستان خشونت‌ها را کاهش داده و گفت‌وگوهای جدی و نتیجه‌بخش صلح را آغاز کنند. او افزوده بود که امریکا با قاطعیت از روند

صلح افغانستان حمایت می‌کند. همچنین نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان گفته بود که کشورش در راستای ایجاد اجماع جهانی و منطقه‌ای در حمایت از تلاش‌های صلح کار می‌کند. این درحالی است که مذاکرات صلح میان هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان از ماه‌ها به این طرف هیچ پیشرفتی نداشته است. اخیراً شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان برای از سرگیری مذاکرات با طالبان به دوحه رفته‌اند، اما تا کنون هیچ گزارشی از دیدار دو طرف منتشر نشده است.

نفوس افغانستان در سال ۱۴۰۰، ۳۳.۶ میلیون نفر برآورد شده است

اطلاعات روز: اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات می‌گوید که نفوس کشور در سال جاری خورشیدی (۱۴۰۰) به ۳۳.۶ میلیون نفر برآورد شده است. در اعلامیه‌ای که از سوی اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات دیروز (سه‌شنبه، ۱۸ جوزا) به نشر رسیده، آمده است که از این میان، ۱۷.۱ میلیون نفر (۵۱ درصد) مردان و ۱۶.۵ میلیون نفر دیگر (۴۹ درصد) زنان اند. به نقل از اعلامیه، از جمله‌ی این ۳۳.۶ میلیون نفر، ۲۳.۸ میلیون آن (۷۰.۸ درصد) را نفوس دهاتی، ۸.۳ میلیون نفر (۲۴.۷ درصد) نفوس شهری و ۱.۵ میلیون نفر دیگر (۴.۵ درصد) آن را نیز نفوس کوچی تشکیل می‌دهند. اداره‌ی احصائیه و معلومات تأکید کرده است که برآورد این تعداد نفوس در سال ۱۴۰۰ خورشیدی دربرگیرنده‌ی ۳۶۴ ولسوالی اصلی، ۲۴ ولسوالی موقت و ۳۴ مرکز ولایات می‌باشد. نفوس افغانستان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی درحالی ۳۳.۶ میلیون نفر برآورد شده است که سال گذشته (۱۳۹۹ خورشیدی) مجموع نفوس کشور ۳۲.۹ میلیون نفر تخمین شده بود. این مجموع شامل ۱۶.۸ میلیون مرد و ۱۶.۱ میلیون زن بود. همچنین در سال ۱۳۹۸ خورشیدی مجموع نفوس افغانستان ۳۲.۲ میلیون نفر شامل ۱۶.۴ میلیون مرد و ۱۵.۸ میلیون زن تخمین شده بود.

داکتران بدون مرز:

سیستم مراقبت‌های صحتی با مشکلات شهروندان در افغانستان سازگار نیست

جهت دسترسی به مراکز صحتی در مناطق جنگی و خطرات انفجار مواد جاسازی شده و دزدی و ره‌گیری در مسیر راه‌های مراکز صحتی، همیشه برای مریضان خطرناک بوده است. در گزارش تأکید شده است که این چالش‌ها دسترسی مردم به مراکز و خدمات صحتی را دشوارتر می‌کند. در این گزارش به‌عنوان نمونه از مادری در شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند نام برده شده که پسر بیمارش را در عوض ۳۰ دقیقه در مدت پنج ساعت به شفاخانه رسانده است. او گفته که پرسش در هنگام جنگ پس از آن به شفاخانه برده است که فکر می‌کرده پرسش از شدت درد جان می‌دهد. او گفته که راه بسیار سخت و دشوار را تا شفاخانه سپری کرده است.

نمی‌توانند کمک دریافت کنند. این سازمان تأکید کرده است اگر هم مردم در افغانستان هزینه‌ی مالی مراقبت‌های صحتی را پیدا کنند و با موفقیت هم به شفاخانه برسند، چالش برای آنان تمام نمی‌شود. در گزارش تأکید شده است که ۴۵ درصد مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند از خدمات صحتی که در این مراکز دریافت می‌کنند، راضی نیستند. سازمان داکتران بدون مرز افزوده است که شماری از شهروندان افغانستان به‌دلیل مشکلات در دسترسی به خدمات و مراقبت‌های صحتی، به روش‌های سنتی برای درمان بیماری‌هایشان مراجعه می‌کنند. این سازمان همچنین تأکید کرده است که فراتر از هزینه‌ی مالی، طی کردن مسافت

بدون مرز در افغانستان، عمل‌کرد ضعیف و عدم کارایی مراکز صحتی، هزینه‌های بلند و سفرهای طولانی و خطرناکی که بیماران سپری می‌کنند، توانایی مردم را برای دست‌یابی به مراقبت‌های صحتی به موقع کاهش می‌دهد. در گزارش توضیح داده شده است که ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند در مقابل دریافت مراقبت‌های صحتی با مشکلات مالی مواجه‌اند. سازمان داکتران بدون مرز به‌نقل از گفته‌های یک پایواز مرد در شفاخانه‌ای در هلمند گزارش کرده است: «ما در دشت زندگی می‌کنیم و هیچ دسترسی به خدمات صحتی نداریم. در ضمن مشکلات اقتصادی نیز وجود دارد. برخی از مردم اگر بیمار هم در خانه داشته باشند، به‌دلیل نداشتن پول

اطلاعات روز: سازمان داکتران بدون مرز (MSF) می‌گوید که سیستم مراقبت‌های صحتی در افغانستان با مشکلات و چالش‌هایی که شهروندان این کشور با آن‌ها مواجه‌اند، سازگار نیست. سازمان داکتران بدون مرز دیروز (سه‌شنبه، ۱۸ جوزا) با نشر گزارشی گفته که سیستم مراقبت‌های صحتی در این کشور «ناکام» است و پاسخ‌گوی نیازمندی‌های مردم نیست. در این گزارش که با مصاحبه با بیماران، پایوازان و کارمندان محلی سازمان داکتران بدون مرز در ولایت‌های هلمند، هرات، قندهار و خوست تهیه شده، آمده است که باید تلاش‌ها برای دسترسی شهروندان کشور به مراکز صحتی بیشتر شود. به گفته‌ی فیلیپ ریبریو، نماینده‌ی داکتران

موج سوم ویروس کرونا؛

تعطیلی دانشگاه‌ها، مکاتب و مراکز آموزشی برای دو هفته‌ی دیگر تمدید شد

زنان باردار و کارمندان مبتلا به بیماری‌های مزمن می‌شود. از سویی هم، ریاست عمومی پاسپورت وزارت امور داخله در تاریخ ۱۱ جوزا اعلام کرد که به‌منظور جلوگیری از شیوع هرچه بیشتر ویروس کرونا، توزیع پاسپورت در ۱۶ ولایت به جز در حالات استثنایی، متوقف شده است. این ولایات شامل کابل، غزنی، هلمند، قندهار، لوگر، ننگرهار، پکتیا، پروان، میدان‌وردک، پنجشیر، بلخ، لغمان، بدخشان، کاپیسا، قندوز و نیمروز می‌شود.

باشگاه‌های ورزشی، حوض‌های آبیاری و هتل‌های عروسی نیز برای دو هفته در ۱۶ ولایت کابل، غزنی، هلمند، قندهار، لوگر، ننگرهار، پکتیا، پروان، میدان‌وردک، پنجشیر، بلخ، لغمان، بدخشان، کاپیسا، قندوز و نیمروز برای دو هفته مسدود می‌شود. همچنین قبل از این کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی اعلام کرده بود که کارمندان آسیب‌پذیر نهادهای دولتی سر از تاریخ ۱۶ جوزا به مدت دو هفته رخصت‌اند. این طیف کارمندان دولت شامل افراد کهن‌سال،

میدان‌وردک، پنجشیر، بلخ، لغمان، بدخشان، کاپیسا، قندوز و نیمروز سر از تاریخ ۲۲ جوزا برای دو هفته‌ی دیگر تمدید شده است. این وزارت در تاریخ ۸ جوزا اعلام کرده بود که برای جلوگیری از گسترش موج سوم ویروس کرونا، دانشگاه‌ها، مکاتب و کورس‌های آموزشی در این ولایات تا ۲۲ جوزا تعطیل است. آقای طاهری همچنین افزود که اگر رقم موارد روزانه‌ی ابتلا به ویروس کرونا در سایر ولایات هم بلند برود، در این ولایات هم شماری از نهادها تعطیل می‌شود. از سویی هم، او گفت که تمامی

اطلاعات روز: ده روز پس از اعلام وزارت صحت عامه‌ی کشور مبنی بر تعطیلی دانشگاه‌ها، مکاتب و کورس‌های آموزشی در ۱۶ ولایت به‌هدف جلوگیری از گسترش موج سوم ویروس کرونا، این وزارت می‌گوید که تعطیلی این مراکز برای دو هفته‌ی دیگر تمدید شده است. عثمان طاهری، معاون سخن‌گوی وزارت صحت عامه دیروز (سه‌شنبه، ۱۸ جوزا) به روزنامه اطلاعات روز گفت که تعطیلی دانشگاه‌ها، مکاتب و کورس‌های آموزشی در ولایت‌های کابل، غزنی، هلمند، قندهار، لوگر، ننگرهار، پکتیا، پروان،

دکتر پیری کلاس، نیویورک تایمز
مترجم: جلیل پژواک

این روزها وقتی والدین فرزندان شان را برای مراقبت‌های پزشکی می‌آورند، از چاق سلامتی معمول مطب‌ها خبری نیست. پس از یک سال بسیار دشوار، پر از تنهایی و انزوا، سال مرگ عزیزان، سال اختلال روال روزمره زندگی و سال محرومیت از آسایش و آرامش، ما به‌عنوان درمان‌گر و پزشک، آماده‌ی شنیدن داستان‌هایی هستیم که در آن شخصیت‌ها در غم و استرس خود دست‌وپا می‌زنند.

والدین بار سنگین استرس و مسئولیت زندگی در دوره همه‌گیری را به دوش کشیده‌اند و کاش فقط نگران خودشان بودند. در سالی که نگرانی جهانی درباره‌ی احتمال افزایش افسردگی و تمایل به خودکشی در میان جوانان بالا گرفته است، آن‌ها می‌بینند که فرزندان‌شان نیز با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

با این‌حال تنها بزرگسالان و جوانان یا نوجوانان نیستند که رنج می‌برند و غمگینند. کودکان خردسال نیز امکان دارد دچار افسردگی شوند. افسردگی کودکان خردسال اما می‌تواند بسیار متفاوت از بقیه به‌نظر برسد. این تفاوت‌ها، تشخیص افسردگی و به تبع آن کمک به کودکان را برای والدین یا پزشکان دشوار می‌سازد.

«راشل بوسمن»، روان‌شناس بالینی در انستیتوت «ذهن کودک» در شهر نیویورک می‌گوید که حتی فکر کردن درباره‌ی افسردگی در کودکان دشوار است. درحالی‌که ما کودکی را به‌عنوان بهترین و شادترین دوره زندگی انسان می‌شناسیم، حدود ۲ تا ۳ درصد کودکان ۶ تا ۱۲ ساله امکان دارد دچار افسردگی جدی باشند. و کودکان مبتلا به اختلالات اضطراب (اختلالی که در بیش از ۷ درصد کودکان ۳ تا ۱۷ ساله مشاهده می‌شود) نیز در معرض خطر افسردگی قرار دارند.

دکتر «هلن ایگر» که تا همین اواخر رییس بخش روان‌پزشکی کودک و نوجوان در مرکز Langone Health دانشگاه نیویورک بود، می‌گوید که برپایه تحقیقات اپیدمیولوژیک وی، بین ۱ تا ۲ درصد کودکان خردسال — حتی کودکان سه‌ساله — افسرده‌اند.

افسردگی ابتدا مشکل بزرگسالان تصور می‌شد. «ماریا کوواکس»، استاد روان‌پزشکی در دانشکده پزشکی دانشگاه پیتسبورگ می‌گوید که در دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ روان‌پزشکان کودک معتقد بودند که آن من کودکان در سن خردسالی هنوز در حدی انکشاف نیافته که کودک احساس افسردگی کند. اما تحقیقات کوواکس و سایر همکارانش در دهه ۷۰ نشان داد که «کودکان خردسال مکتبی امکان دارد دچار افسردگی قابل تشخیص باشند».

افسردگی قبل از بلوغ در دختران و پسران به یک اندازه شایع است. اما پس از بلوغ در میان نوجوانان دختر دوبرابر می‌شود و تأثیرات آن تا دوره بزرگسالی و حتی پیری ادامه می‌یابد. محققان می‌گویند که در دوره پیری، میزان افسردگی در میان زنان و مردان دوباره دوبرابر می‌شود.

افسردگی در کودکان خردسال چگونه است؟

دکتر کوواکس می‌گوید وقتی کودک خردسال افسرده می‌شود، معمولاً غمگین نه بلکه کج خلق می‌شوند. او می‌گوید که این کودکان کم‌تر متوجه می‌شوند که آنچه احساس می‌کنند در واقع افسردگی است. آن‌ها حتی به حسی که دارند از این زاویه نگاه نمی‌کنند.

چگونه افسردگی را در کودکان تشخیص دهیم؟



خودم را بکشم اما احساس خیلی بدی دارم و نمی‌دانم چه کار دیگری بکنم یا چه چیزی بگویم.»

اگر کودکی از تمایل به مرگ صحبت کرد، سعی کنید بدانید چه می‌خواهد بگوید، و اگر نگران هستید از یک درمان‌گر کمک بگیرید. این‌که کودکی به شما می‌گوید احساس بدی دارد و نمی‌داند چه کار کند، می‌تواند نشانه واقعی این باشد که کودک موردنظر دچار پریشانی شدید است. بنابراین حرفش باید جدی گرفته شود و نباید به‌عنوان تلاش کودک برای جلب توجه تلقی شود.

درمان چگونه می‌تواند کمک کند؟

«جانان کامر»، استاد روان‌شناسی و روان‌پزشکی دانشگاه بین‌المللی فلوریدا می‌گوید: «والدین باید علائم را در کودک بسیار جدی بگیرند. در موارد جدی افسردگی، این علائم با گذشت زمان شدت می‌گیرند و بقیه زندگی فرد موردنظر را از اساس متأثر می‌کنند.»

در یک مطالعه طولی در سال ۲۰۱۶، دکتر کوواکس و همکارانش علائم افراد افسرده را تا دوره کودکی‌اش ردیابی کردند و دریافتند که دوره‌های افسردگی در جوانی، بزرگسالی و پیری افراد موردنظر شدیدتر و مکررتر بوده است.

بنابراین اگر در کودک تغییراتی مانند دست‌کشیدن از برخی فعالیت‌ها، کج خلقی یا غمگینی، کسالت یا اختلالات خواب (که بیش از دو هفته دوام آورد) مشاهده کردید، از کسی که با مشکلات سلامت روان کودکان آشنا باشد، کمک بخواهید و از متخصصان اطفال شروع کنید.

دکتر بوسمن می‌گوید که والدین باید به دنبال ارزیابی جامع سلامت روان کودکان‌شان باشند، از جمله بررسی سوابق خودشان، گذراندن وقت با کودک و صحبت با مسئولان مکتب کودک. ارزیابی باید شامل پرسش‌هایی درباره علائم افسردگی و همچنین جستجو به دنبال نشانه‌های عوارضی مانند اختلال بیش‌فعالی یا اختلال اضطراب یا اختلال کمبود توجه باشد که ممکن است ریشه ناراحتی کودک موردنظر باشد.

آیا از کودک می‌توان پرسید که تمایل به خودکشی دارد یا به خودکشی فکر می‌کند، یا خیر؟

کج خلقی و عصبانیت، یا کرختی و خاموشی، می‌تواند نشانه‌های غم و اندوه عمیق در کودکان باشد. با این‌که اقدام به خودکشی در میان کودکان دوره ابتدایی نادر است، اما اتفاق می‌افتد و در سال‌های پسین افزایش یافته است. خودکشی در سال ۲۰۱۸ دومین علت اصلی مرگ کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله بود و در سال ۲۰۱۹ مطالعه‌ای نشان داد که مراجعه کودکان به سرویس مراقبت‌های عاجل به علت تمایل یا اقدام به خودکشی، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ افزایش یافته است. این مطالعه نشان داد که افکار و تمایل به خودکشی در نزد کودکان زیر ۱۱ سال ۴۱ درصد افزایش یافته است. وقتی کودکی به خودکشی فکر می‌کند یا از خودکشی حرف می‌زند، باید آن‌را ساده نگیریم و به‌عنوان درخواست کمک تلقی کنیم.

دکتر کوواکس که تهیه‌کننده «پرسش‌نامه افسردگی کودکان» است، می‌گوید: «مشکل‌سازترین افسانه درباره‌ی خودکشی این است که می‌گویند اگر از فردی درباره خودکشی بپرسی، در واقع تو هستی که فکر خودکشی را در ذهن او قرار می‌دهی.» او می‌گوید: «اگر با کودکی سروکار داشته باشید که مسأله‌اش خودکشی نیست، با شنیدن این سوال، به شما طوری خیره خواهند شد که خودتان می‌فهمید که در خصوص شما فکر می‌کنند عقل خود را از دست داده‌اید.» او توصیه می‌کند: «پرسیدن احوال کسی به او آسیب نمی‌رساند.»

اما اگر کودکان بگویند که به خودکشی فکر می‌کنند چه؟

همانند افسردگی در بزرگسالان، کودکی که می‌گوید به خودکشی فکر می‌کند، نشان می‌دهد که او با درد زندگی می‌کند و شاید به فکر چاره این درد است. دکتر کوواکس می‌گوید کودکان ممکن است مرگ را «آزادی، رهایی و چاره» درد خود تصور کنند.

همچنین، دکتر بوسمن می‌گوید که این کودکان شاید صریح نگویند که به خودکشی فکر می‌کنند و در عوض بگویند: «می‌خواهم کشیده‌اند. آقای نظری افزوده که در میان این شعبات شعبه‌ی دریافت عرایض نیز شامل است. به گفته‌ی او، در این آتش‌سوزی دست‌کم دوهزار قطعه عرایض سوخته و به خاکستر تبدیل شده است. سخن‌گوی والی بدخشان همچنین گفته است که معترضان بخشی از دیوار ساختمان ولایت را هم تخریب کرده‌اند. به گفته‌ی او، معترضان بر تأسیسات نظامی ولایت هم یورش برده و چندین موتور را هم به‌صورت قسمی تخریب کرده‌اند.

نیک‌محمد نظری، سخن‌گوی والی بدخشان گفته است که معترضان خشمگین شماری از شعبات ولایت را که در بیرون از ساختمان ولایت موقعیت دارد، به آتش

دکتر کامر می‌گوید که درمان زودهنگام مؤثرترین است: «شواهد بسیار خوبی درباره مؤثریت درمان خانواده‌محور افسردگی در کودکان وجود دارد؛ این درمان بر تعاملات خانوادگی و تأثیر آن بر خلق‌وخوی کودک متمرکز است.» او می‌گوید که در مورد کودکان ۳ تا ۷ ساله، نسخه‌هایی از «درمان تعامل‌والد-کودک» معروف به PCIT اغلب استفاده می‌شود. در این درمان به والدین آموزش داده می‌شود و به آن‌ها کمک می‌شود تا به شیوه درست رفتارها و کارهای مثبت فرزندان‌شان را برجسته و تحسین کنند.

والدین باید تا جایی که ممکن است سعی کنند کودک خود را، حتی اگر اشتیاق چندانی نداشته باشد، به بیرون از خانه برای پیاده‌روی و بازی در فضای باز ببرند. همانند افسردگی بزرگسالان، در کودکان نیز ورزش و هوای تازه و آفتاب، هم از لحاظ ذهنی و هم از نظر بیولوژیکی برای درمان افسردگی مفید است.

افسردگی را لزوماً نمی‌توان در چارچوب علت و معلول توضیح داد، اما دکتر کوواکس می‌گوید که در اولین دوره افسردگی در هر کودکی، تقریباً همیشه پای یک عامل استرس‌زا دخیل است که در درجه اول مشکل را ایجاد می‌کند.

این عامل استرس‌زا می‌تواند تغییراتی در زندگی خانوادگی باشد، مانند طلاق والدین یا مرگ یک عضو خانواده، یا ممکن است عامل ظریف‌تر مانند اضطرابی ساده باشد که از کنترل خارج شده است. در کودکانی که تحت درمان قرار می‌گیرند، بخشی از روند درمان تشخیص و صحبت درباره همان عامل استرس‌زا است.

چگونه می‌توانم برای فرزندم کمک پیدا کنم؟

اگر نگرانید که کودک‌تان ممکن است افسرده باشد، از پزشک متخصص اطفال یا سایر ارائه‌دهندگان مراقبت‌های اولیه کمک بخواهید. برخی از کلینیک‌ها و مراکز بهداشتی بخش ارائه خدمات سلامت روان دارند که شما می‌توانید برای کمک به فرزند خود از آنان کمک بخواهید. برخی از پزشکان با متخصصان محلی که تجربه‌ی کار با کودکان خردسال را دارند، در تماس هستند. متخصصان بهداشت روان ممکن است خیلی در دسترس نباشند (به ویژه حالا که تقاضا برای خدمات آن‌ها افزایش یافته است)، بنابراین امکان مراقبت پزشکی از راه دور یا (telehealth) را نیز مدنظر داشته باشید. همچنین، دکتر کوواکس به والدینی که به دنبال درمان برای کودک‌شان هستند توصیه می‌کند که به کلینیک‌های روان‌شناسی بالینی دانشگاه‌ها و مراکز علمی محلی خود مراجعه کنند. در این کلینیک‌ها دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره روانی، تحت نظارت روان‌شناس دارای مجوز، کار می‌کنند. او می‌گوید که چنین کلینیک‌هایی اغلب در دسترس است.

دکتر کامر می‌گوید: «پدر مادرها باید پریشانی‌ها و کج خلقی‌های کودکان‌شان را نادیده نگیرند و برای کمک به آن‌ها اقدام کنند. اکثریت مشکلات خلق‌وخوی کودکان با گذشت زمان، فرزندپروری آگاهانه پدر و مادر، و محیط شادی و دلگرمی‌آور رفع می‌شود.»

دکتر پیری کلاس نویسنده کتاب «زمانی خوب برای به دنیا آمدن: چگونه علم و بهداشت برای کودکان آینده بخشید» است که در آن توضیح می‌دهد چگونه کاهش اساسی مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان، جهان ما را متحول کرده است.

خبر داخلی

به‌خوشونت‌کشیدن تظاهرات در بدخشان؛

دست‌کم سه معترض کشته و ۳۰ معترض زخمی شده‌اند

کرده‌اند. آقای نظری گفته است که چند نفر از این نیروها در نتیجه‌ی پرتاب سنگ معترضان زخمی شده‌اند. او همچنین گفته است که در مقابل نیروهای امنیتی نیز دست به شلیک هوایی زده‌اند.

با این حال اما، مجیب‌الله حمیدی، از خبرنگاران محلی در بدخشان که این تظاهرات را همراهی کرده، به روزنامه اطلاعات روز گفت که نیروهای امنیتی به‌گونه‌ی مستقیم بر معترضان شلیک کرده‌اند. او تأکید کرد که این نیروها پس از آن اقدام به تیراندازی کرده‌اند که معترضان می‌خواستند بر دفتر والی یورش ببرند.

کشیده‌اند. آقای نظری افزوده که در میان این شعبات شعبه‌ی دریافت عرایض نیز شامل است.

به گفته‌ی او، در این آتش‌سوزی دست‌کم دوهزار قطعه عرایض سوخته و به خاکستر تبدیل شده است. سخن‌گوی والی بدخشان همچنین گفته است که معترضان بخشی از دیوار ساختمان ولایت را هم تخریب کرده‌اند. به گفته‌ی او، معترضان بر تأسیسات نظامی ولایت هم یورش برده و چندین موتور را هم به‌صورت قسمی تخریب کرده‌اند.

نیک‌محمد نظری تأکید کرده است که این افراد مجهز با چوب و چماق بوده و بر نیروهای امنیتی در ولایت حمله

در همین حال، نور خاوری، رییس صحت عامه‌ی بدخشان به روزنامه اطلاعات روز گفت که تاکنون سه کشته و ۳۰ زخمی از معترضان به شفاخانه منتقل شده‌اند. او تأکید کرد که این افراد توسط شلیک گلوله و پرتاب سنگ کشته و زخمی شده‌اند.

با این حال، مجیب‌الله حمیدی گفت که هنوز درگیری میان معترضان و نیروهای امنیتی در اطراف ساختمان ولایت بدخشان جریان دارد. او تأکید کرد که معترضان خواهان برکناری والی شده‌اند.

همچنین به گفته‌ی او، معترضان در ساحه‌ی دورتر از محل درگیری خیمه‌ی تحصن برپا کرده‌اند.

حسین‌علی کریمی

بسیاری از افغان‌ها روز شنبه، پنجم جون در اقدامی هماهنگ و نمادین در فضای «تویتر» علیه نسل‌کشی هزاره‌ها در افغانستان دست به اعتراض زدند. آن‌ها با هشتگ (StopHazaraGenocide) که در پایان روز به ترند اول افغانستان در تویتر تبدیل شد به نسل‌کشی خاموش و آشکار هزاره‌ها در افغانستان دست به اعتراض زدند.

پس از فاجعه مکتب سیدالشهدا که در آن بیش از ۹۰ دختر نوجوان کشته شد و بیش از ۲۵۰ نفر زخمی شدند، منطقه هزاره‌نشین غرب کابل شاهد حملاتی مشخص بود. هدف عمده این حملات تروریستی مردم عادی و کسانی بوده‌اند که هیچ نقشی در جنگ و منازعه افغانستان نداشتند. آن‌ها تنها به این دلیل مورد هدف قرار گرفتند که از قومی به‌نام «هزاره» بودند. حمله به افراد عادی که خسته از کار روزانه‌شان در یک مینی‌بوس به خانه برمی‌گشتند.

کمیسوین حقوق بشر افغانستان در یک بیانیه جسورانه و بی‌سابقه گفت که «حکومت افغانستان باید به تعهدات خود طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عمل کند و به کشتار هدفمندانه هزاره‌ها اذعان کند. دولت افغانستان باید فوراً طرح حمایتی‌ای را مبتنی بر حقوق بشر برای دشت برچی و مناطق غرب کابل تهیه و ابلاغ کند. این باید شامل برنامه‌هایی برای جبران خسارت جمعی نیز باشد.» این کمیسوین با استناد به تحقیقات اولیه خود درباره حملات تروریستی‌ای که در افغانستان علیه مردم عادی در جریان است اذعان کرد که هزاره‌ها در این کشور در معرض نسل‌کشی قرار دارند. بنابراین در اعلامیه‌اش خواستار تحقیق و بررسی حملات تروریستی علیه هزاره‌ها در افغانستان از سوی نهادهای حقوقی بین‌المللی و سازمان ملل متحد شد.

فاجعه مکتب سیدالشهدا همدلی و همدردی عمیق جهانی و داخلی را نسبت به قتل‌عام هزاره‌ها در افغانستان ایجاد کرد. بسیاری از نهادهای حقوق بشری که تا آن زمان متوجه این موضوع نبودند، مجبور شدند به این سوال پاسخ دهند که چرا هزاره‌ها در افغانستان به این شکل سلاخی می‌شوند؟ واقعیت این است که بیانیه این کمیسوین ستودنی است اما به‌نظر می‌رسد که بسیار دیر اتفاق افتاد. آن‌قدر دیر که ما مجبور شدیم بیش از ۹۰ دختر را با تمام آرزوهای‌شان دفن کنیم.

به باور هانا آرنټ، اندیشمند سیاسی قرن بیستم زمانی که شر در یک مقیاس بزرگ به وقوع می‌پیوندد، نشانه‌های عصر ظلمت پدیدار می‌شود. به باور او این شر که تا مدت‌ها جهان را در سکوت و بُهت فرو برد، فاجعه هولوکاست بود. فاجعه‌ای که میلیون‌ها انسان در آن توسط

انسان سفید قربانی شد.

فاجعه دلخراش حمله به زایشگاه زنان در منطقه هزاره‌نشین غرب کابل و ده‌ها حمله تروریستی دیگر که قربانیان آن مردم بی‌دفاع و فقیری بودند که هیچ نقشی در منازعه، جنگ و کسب قدرت نداشتند و در مورد اخیر فاجعه مکتب سیدالشهدا، مصداق عینی وضعیتی است که آرنټ از آن به‌عنوان «عصر

عصر ظلمت، عصر نسل‌کشی و انکار آن است



ظلمت» یاد می‌کند. عصر ظلمتی که آرنټ از آن یاد می‌کند، وضعیت دشوار و یا دورانی پر از بلاهای طبیعی نیست. بلکه منظورش این است که قلمرو عمومی به تاریکی فرو می‌رود. گفتمان‌ها، ایدئولوژی‌ها، زبان، تئوری‌ها و … فاقد معنا می‌شوند. یعنی دیگر قادر نیستند وضعیت را تبیین کنند و به چرایی خشونت، جنگ، قتل‌عام و نسل‌کشی، پاسخی ارائه کنند. چنین وضعیتی به تعبیر آرنټ عصر ظلمت است.

انسان هزاره در چنین عصری به‌سر می‌برد. عصری که امکان سیاست و گفت‌وگو در قلمرو عمومی با کانتینرهای میدان دهم‌زنگ از او سلب شد. عصری که آدم‌ها تلاش می‌کنند به «نسل‌کشی» با مفاهیمی مانند «همه‌ی ما و شما برادریم»، «همه ما و شما رنج مشترک داریم»، «همه ما و شما افغان و مسلمان هستیم»، «اگر شما کشته می‌شوید ما هم کشته می‌شویم» و … معنای دیگری بدهند. عصری که گفتمان جمهوریت آن مضحک و تهی است؛ جمهوریتی که توسط مترسک‌های چاق و بی‌قواره فریاد می‌شوند. عصر ظلمت برای انسان هزاره، وضعیتی است که درد و رنج تاریخی و معاصر در حاشیه‌بودن به‌جای این‌که توسط دیگری فهم شود، معنایی دیگرگونه به خود می‌گیرد. و دیگری فارغ از همدردی به‌جای این‌که درد و رنج او را به رسمیت بشناسد، با معنازدایی از وسعت فاجعه به تعبیر هایدگر فقط حرف مفت می‌زند. معلوم نیست منظورشان چه چیزی است. آدم‌هایی که بی‌مهبا تلاش می‌کنند زبان را در این راستا مستهلک کنند. البته که پیامدهای زیستن در این عصر ظلمت تنها دامن‌گیر انسان هزاره نمی‌شود. سایرین به مراتب وضعیتی تاریک‌تر از انسان هزاره را دارند. با این تفاوت که هزاره می‌داند و اذعان دارد که در عصری ورای فهم و

شناخت زندگی می‌کند اما سایرین درکی از این شناخت ندارند و به آدم‌های کوری می‌مانند که در تاریکی به دنبال حقیقت می‌گردند.

در طول تاریخ، هزاره‌ها از جمله گروه‌های قومی در افغانستان بوده‌اند که تاریخ‌شان با پاک‌سازی قومی و نسل‌کشی پیوند خورده است. در دوره عبدالرحمن‌خان بیش از ۶۰ درصد مردم هزاره، صرفاً به‌دلیل هویت و قومیت‌شان قتل‌عام شدند. بسیاری از زمین‌های این مردم از آنان گرفته شد و امیر، بخش زیادی از مردم هزاره را مجبور به کوچ اجباری از مناطق‌شان کرد. اسناد فراوانی از جمله «سراج‌التواریخ» و یا «دختر وزیر» اثر لیلیاس همیلتون، پزنشک خانوادگی دربار امیر عبدالرحمن‌خان وجود دارد که اشاره به نسل‌کشی تاریخی این دوره دارد. همیلتون در روایت خود از انسان هزاره در «کتاب دختر وزیر» و دوره امیر عبدالرحمن‌خان، گزارشی موجز از جنگی نابرابر علیه هزاره‌ها، اسارت،

مردگانی که در جریان نسل‌کشی هزاره‌ها در کابل کشته شدند.

یک کودک از هزاره‌ها در کابل که در جریان نسل‌کشی کشته شده است.

مرگ ملا نیازی با شرمساری رقت‌انگیز حکومت محلی افغانستان همراه بود. چرا که یک جنایت‌کار جنگی در سایه مشروعیت و سکوت دولتی که ادعای جمهوریت دارد با تشریفات به خاک سپرده شد. درحالی‌که بسیاری از دخترانی که در مکتب سیدالشهدا توسط همفکران نیازی سلاخی شدند، بدون هیچ تشریفاتی به خاک سپرده شدند.

بردگی، آوارگی و غصب زمین‌های این مردم، ارائه می‌دهد. عصر ظلمت، عصر زوال ارزش‌های اخلاقی است. عصر فاشیسم قومی است. هیچ‌یک از حاکمان پس از عبدالرحمن‌خان شهامت اعتراف، بخشش و جبران خسارت را به خود راه ندادند. بلکه به انکار و توجیه این جنایت هولناک بشری نیز پرداختند.

این جمله ملا عبدالمنان نیازی در مورد هزاره‌ها معروف است که گفته بود «شیعیان هزاره را هر روز به شیوه‌ای جدید می‌کشم، طوری که خود آن‌ها هرگز نفهمند.» یا این جمله در زمان تسلط گروه فاشیست طالبان بر شهر مزار شریف که منتسب به اوست: «تاجیک‌ها به تاجیکستان بروند، اوزبیک‌ها به اوزبیکستان، هزاره ها به گورستان.» پس از آن‌که مقاومت جبهه شمال در سال ۱۳۷۷ در مزارشریف شکست خورد، در مدت زمان کوتاهی، شهر توسط طالبان به اردوگاه آشویتس تبدیل شد. ملا عبدالمنان نیازی بدون در نظرگرفتن قوانین جنگ و بدون هراس از محاکمه به مدت سه شبانه روز، شهر مزارشریف را تبدیل به کشتارگاه هزاران انسان بی‌گناه از قومیت هزاره تبدیل کرد. طبق آمارهای رسمی سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیدبان حقوق بشر، ملیشه‌های طالبان به دستور مستقیم ملاعمر، بیش از هشت‌هزار انسان بی‌گناه (عموما هزاره) را در این شهر قتل‌عام کردند. بنابر گزارش‌ها بیش از شش‌هزار نفر از قربانیان این حادثه را هزاره‌ها تشکیل می‌دادند. ملا عبدالمنان نیازی در ظلمت متولد شد و در ظلمت مرد. مرگ ملا نیازی با شرمساری رقت‌انگیز حکومت محلی افغانستان همراه بود. چرا که یک جنایت‌کار جنگی در سایه مشروعیت و سکوت دولتی که ادعای جمهوریت دارد با تشریفات به خاک سپرده شد. درحالی‌که بسیاری از دخترانی که در مکتب سیدالشهدا توسط همفکران نیازی

تحلیل

www.etilaatroz.com

سلاخی شدند، بدون هیچ تشریفاتی به خاک سپرده شدند. این مصداق زیستن در عصر ظلمت است.

پس از حادثه مکتب سیدالشهدا، بحث نسل‌کشی هزاره‌ها در فضای عمومی و شبکه‌های اجتماعی جدی‌تر شد. بسیاری از فعالان حقوق بشر مطابق ماده دوم کنوانسیون منع نسل‌کشی و مجازات علیه آن که مصوب نهم دسامبر سال ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد است، اقدامات تروریستی اخیر علیه هزاره‌ها را مصداق نسل‌کشی آنان دانستند. مطابق این ماده «هرگونه اقدام به نابودی یک گروه نژادی، ملی، مذهبی مانند کشتار دسته‌جمعی یک گروه خاص، ایجاد لطمات روانی و جسمانی بر یک گروه ویژه، ضربه‌زدن تعمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل معیارهایی برای جلوگیری از تولد فرزندان آن‌ها، طرح‌ریزی برای آسیب‌رساندن به گروه خاص و غیره همه از مصداق‌های بارز نسل‌کشی می‌باشند.». این یک واقعیت آشکار است که بیشترین کسانی که در دوونیم دهه گذشته به‌شدت از جنگ متأثر شدند، مهاجر شدند و قربانی شدند، متعلق به قوم پشتون بوده است. چرا که آن‌ها در دو طرف جنگ و قدرت قرار داشتند. با وجود این کشتار هزاره‌ها از این جهت خاص و مصداق نسل‌کشی است که آن‌ها در موقعیت‌ها و وضعیتی تفکیک و کشته می‌شوند که نقشی در منازعه جنگ و قدرت نداشته‌اند. کشته‌شدن سایر اقوام به دلایل سیاسی و منازعه بر سر قدرت صورت می‌گیرد. این در حالی است که هزاره‌ها قدرت سیاسی ندارند و تنها به‌دلیل تبار و مذهب‌شان کشته می‌شوند. در کشته‌شدن هزاره‌ها نوعی تفرق تاریخی، فرهنگی و دینی وجود دارد که خود را به‌صورت تفرق نژادی بازنمایی می‌کند. به همین دلیل است که آموزشگاه‌ها، زایشگاه، مسجد، مکتب، زن، مرد، کودک و نوجوان و حتا طفل تازه به‌دنیآآمده‌ی آن‌ها مورد هدف قرار می‌گیرد. تمامی موارد یادشده، مصداق نسل‌کشی و مصداق ماده دوم کنوانسیون منع نسل‌کشی سال ۱۹۴۸ سازمان ملل است.

و در پایان این‌که مهم‌ترین وظیفه هر دولتی صیانت از جان و مال شهروندانش در مقابل خطر است. بر این اساس حکومت افغانستان براساس قانون اساسی کشور مکلف است که از شهروندان خود محافظت کند و در صورت بروز هر حادثه‌ای مسئولیت عدلی-قضایی و اخلاقی دارد تا با مکانیزم‌های امنیتی، حقوقی و اجتماعی آن را بررسی کند و نسبت به رویدادهای آتی برنامه‌های پیشگیرانه روی دست گیرد. قربانیان حق دارند بدانند که توسط چه کسی و به چه جرمی مورد حمله قرار می‌گیرند. متأسفانه آنچه که در طول دو دهه گذشته باربار در تکرار شده است، بی‌توجهی و بی‌پروایی دولت در معرفی، بررسی و مجازات عوامل این خشونت‌های سازمان‌یافته و هدفمند بوده است. این در حالی است که با وجود شواهد کافی همچنان دولت افغانستان شهامت اخلاقی در اعتراف و ناتوانی تأمین امنیت مردم هزاره را ندارد. تنها واکنش دولت اعلام همدردی با قربانیان است. واکنشی که دردی از قربانیان و مردم دوا نمی‌کند.

تحلیل

قیمت تیل و قیمت خون هزاره

می‌توانند در آن ماجرا دخالت کنند، هیچ دخالت معناداری نمی‌کنند؟ به‌خاطر نفت، به‌خاطر تیل. حالا شما «تیل» را استعاره‌ای برای مجموعه‌ای از منافع این کشورها تلقی کنید. افغانستان تیل ندارد که به امریکا یا اروپا بفروشد، اما بعضی گونه‌های این مملکت (یعنی اگر افغانستان طور خاصی سامان بیابد) منافع دیگر امریکا و اروپا را تا حدی تأمین خواهد کرد. ما تیل‌های غیرنفتی داریم که به امریکا و اروپا بدهیم. ما یعنی هرکسی که در افغانستان چانس حکومت در کابل را دارد و می‌تواند نظامی برپا کند که نخواهد منافع امریکا و اروپا را تهدید کند. اگر طالبان اثبات کرده باشند که آن «ما» امارت اسلامی است، برای امریکا و اروپا اهمیتی ندارد که امارت اسلامی چه جنایت‌هایی را علیه گروه‌های قومی و مذهبی مرتکب می‌شود. قیمت تیل همیشه از قیمت خون هزاره (یا دیگر آماج‌های کشتار جمعی) مهم‌تر است. عربستان تیل نفتی می‌دهد، طالبان تیل‌هایی از جنس دیگر. یکی از آن تیل‌ها «اطمینان»ی است که امارت اسلامی داده تا دیگر با منافع امریکا و غرب شاخ به شاخ نشود.

سخییداد هائف

هزاره‌های افغانستان پیش از آن که کلمه‌ی جنوساید (genocide) یا کشتار سیستماتیک نژادی وضع شود، آماج کشتار جمعی سیستماتیک بودند. از عمر کلمه‌ی «جنوساید» تا حالا هفتاد و هفت سال می‌گذرد؛ اما هزاره‌ها نیم قرن پیش از آن‌که این کلمه در وصف کشتار جمعی نژادی به کار برده شود، نصف جمعیت خود را بر اثر همین کشتار جمعی از دست داده بودند.

کشتار جمعی سیستماتیک یک گروه اجتماعی، که این روزها از آن به نسل‌کشی تعبیر می‌شود، در قوانین بین‌المللی جرم است و عاملان آن باید مجازات شوند. حال، سوال این است که عاملان کشتار جمعی سیستماتیک را چه کسانی باید مجازات کنند. اگر همین فردا بخواهیم به مرجعی مراجعه کنیم که مسئولیت دارد جلو کشتار جمعی هزاره‌ها را بگیرد و عاملان این جنایت را مجازات کند، آن مرجع کدام است؟ بعضی کشورها پای سندی را که در آن نسل‌کشی یک جرم قابل پیگرد بین‌المللی شناخته شده امضا نکرده‌اند. اما در این مورد

عباس اسدیان

«گلیم‌باف» رمانی است از تقی واحدی. این رمان و رمان «هزارخانه خواب و اختناق» (نوشته‌ی عتیق رحیمی)، به‌صورت مشترک برنده نخستین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی نوروژ به‌عنوان بهترین رمان افغانستان در سال ۱۳۸۸ شد. «گلیم‌باف» به‌گوش هزارة‌گی نوشته شده و یک روز از زندگی زن جوانی را روایت می‌کند که شوهرش را در جنگ با شوروی از دست می‌دهد. پاتو (شخصیت اصلی داستان) اکثراً با خودش درگیری دارد. او فکر می‌کند که یک آدم بدبخت و بدشگون است. برای همین نمی‌تواند این فکر را از سرش دور کند که جامعه او را مقصر اصلی مرگ شوهرش می‌داند. البته اضطراب و درگیری او در همین حد خلاصه نمی‌شود. بعد از این که برادر شوهرش (کسی که قرار بود بعد از شوهر اولی، به همسری او دربیاید) نیز در جنگ کشته می‌شود او کاملاً باور می‌کند که یک آدم بدبخت و بدشگون است. او پذیرفته که این سرنوشت گریزن‌ناپذیر او بوده که با هرکسی ازدواج کند، کشته شود.

این رمان به خوبی نشان می‌دهد که «جنگ» چه بلایی بر سر یک جامعه می‌آورد، خصوصاً بر سر یک جامعه مردسالار و جایی که زنان در نبود مردان‌شان نمی‌توانند به‌راحتی به کار و زندگی بپردازند. برای همین من فکر می‌کنم وضعیت زندگی پاتو، که به کار شاقه و کم‌درآمد گلیم‌بافی (که باعث شده او و هم‌بافت‌ها مشغول است، بازگوکننده وضعیت اکثر زنان در جامعه افغانستان می‌باشد.

وضعیت هابزی

توماس هابز، فیلسوف سیاسی برجسته قرن هفدهم انگلیسی، می‌گفت «انسان، گرگ انسان است». به باور هابز انسان‌ها در حالت طبیعی به‌شدت درنده‌اند و براساس غریزه‌شان برای سلطه بر دیگری تلاش می‌کنند. این خوی ذاتی باعث می‌شود تا آن‌جایی که طبیعت انسان اقتضا می‌کند حقوق دیگران را از آن خود کند. برای همین بود که هابز از قانون مدنی و نظام شهروندی حرف می‌زد و می‌گفت برای این‌که آدم‌ها بتوانند زندگی سالم و آرام داشته باشند باید برای‌شان «قانون» تدوین کنند. قانون باعث می‌شود خوی درندگی انسان‌ها مهار شود. از همین‌رو توماس هابز نسبت به زندگی مدنی امیدوار بود و زندگی در حالت طبیعی را قابل قبول نمی‌یافت. بعد از شرح و بسطی که توماس از وضعیت طبیعی انسان‌ها در کتاب مهم «لویان» می‌آورد، در گفت‌وگو فلسفه سیاسی «وضعیت هابزی» به وضعیتی گفته می‌شود که آدم‌ها در آن دشمن همدیگرند و در واقع در نقش گرگ ظاهر می‌شوند. در بعضی موارد از وضعیت هابزی به‌نام «جنگ همه علیه همه» نیز نام برده می‌شود.

وقتی وضعیت جنگی و بدبختی‌های گسترده در افغانستان را می‌بینیم نمی‌توانیم انکار کنیم که وضعیت ما شبیه «وضعیت هابزی» است. و همین‌طور، وضعیتی که در رمان «گلیم‌باف»

زندگی یک زن «گلیم‌باف»

مرور رمان «گلیم‌باف»



روایت شده است نیز دقیقاً عین همان وضعیتی است که هابز از آن حرف زده است. زن جوانی که مصروف گلیم‌بافی است، هر لحظه با صدای «گرم» انفجار وحشت‌زده می‌شود، البته تبعات انفجار صرفاً وحشت‌آفرینی نیست بلکه جان آدم‌های زیاد را نیز می‌گیرد. اما به‌نظر می‌رسد تکرار انفجار و مابین‌پراکنی‌های گاه و بی‌گاه باعث می‌شود که این حادثه ویران‌کننده آن جنبه وحشت‌ناک خود را از دست بدهد و تبدیل به یک وضعیت آشنا شود، وضعیتی که دیگر کسی از آن زیاد نمی‌ترسد. همه می‌دانند که انفجار مدام رخ می‌دهد و این انفجار نه اولین انفجار است و نه آخرین آن خواهد بود. جنگ و وقوع انفجار تبدیل به امر عادی و روزمره شده است. از این‌رو می‌توان گفت که انسان افغانستانی در حالت هابزی به‌سر می‌برد و هنوز فاصله‌ی زیاد و به‌ظاهر پرشدنی با وضعیت مدنی دارد.

خشونت و جنگ به اندازه‌ی در این رمان زیاد است که حتی زندگی حیوانات (پرنده‌ها) برای شخصیت اصلی داستان رشک‌برانگیز به‌نظر می‌رسد. زیرا او فکر می‌کند که پرنده‌هایی که در گلیم‌خانه لانه کرده‌اند بسیار زندگی آرام و آزادانه‌ی را سپری می‌کنند. در کنار این، او هیچ نوع تبعیض و بی‌عدالتی را نیز در زندگی آن‌ها نمی‌بیند و فکر می‌کند جنس «تر» و «ماده»‌شان حقوق و امتیازات مساویانه دارند: «شاید دنیای غچی‌ها فرق کنه. شاید تر و ماده‌شان یکی باشه. یک رقم کار، یک رقم خوراک، یک رقم پرواز، یک رقم آزادی. غچی ماده همان آزادی را داشته باشه که عچی تر. اگر دلش نشد پر کشیده بروه در یک قشلاق دیگه؛ در یک ملک دیگه با یک غچی دیگه خانه جور کنه و زندگی کنه. لاکن دختر نمی‌تانه. کی می‌تاتم بروم؟ کجا بروم؟ کجا را بلد استم که بروم؟ پیش کی بروم؟ اختیار ندارم که رقم مردان خود را در هر راه

بیندازم...» (گلیم‌باف، ص ۹۹). این بخش رمان، به‌عنوان نمونه، نشان می‌دهد که زندگی در جامعه‌ی گرفتار در وضعیت هابزی چگونه جریان دارد و چرا آدم‌ها توقع می‌کنند کاش مثل پرنده‌های زندگی کنند!

یک زندگی متناقض

انسان اصولاً یک موجود اجتماعی است و برای ادامه‌ی زندگی به هم‌نو‌عاش به‌شدت نیازمند است. برای این‌که نوعیت این نیازمندی‌ها به شیوه درست ارزیابی و به آن رسیدگی شود، نیاز است یک سلسله قاعده و قانون در این زمینه وضع شود. اما ممکن است این قوانین بعضی اوقات در جهت تأمین منابع یک جنس و یا گروه خاص تدوین شود. برای همین قوانین بشری مدام از کاستی‌هایی نیز رنج می‌برد. به‌عنوان مثال، نمونه‌ای واضح آن را در اصول و قوانینی می‌بینیم که در دین اسلام

نسبت به زن‌ها وضع شده است. حالا ممکن است این قوانین در زمان‌های گذشته زیاد یک‌جانبه و ناقص نبوده باشد اما واقعیت این است که با توجه به استلزامات دنیای جدید و دگرذیسی‌های که جوامع بشری از صدر اسلام تا حالا به خود دیده است، این قوانین ناپسند و ناقص‌اند. رمان «گلیم‌باف» می‌تواند این ناپسندگی را نشان بدهد.

اگرچند در رمان «گلیم‌باف» صریحاً به ناپسندگی این قوانین و مباحث دینی اشاره‌ای صورت نگرفته است اما محتوای کلی رمان بیان می‌کند که دید یک جامعه دین‌خوی و بیش‌ازحد سنتی چگونه زنان را حتی از ابتدایی‌ترین حقوق‌شان محروم می‌کند. در چنین جامعه‌ای جنس مؤنث فقط و فقط در زیر سایه وجود مذکر می‌تواند زندگی کند و نه غیر آن. برای همین مباحث چون ازدواج و زندگی مشترک از آن بار معنایی که در جامعه مدنی دارد، کاملاً تهی می‌شود. ازواج کردن و بیرون شدن از خانه پدر معنای دیگر بی‌پناهی و دربه‌دری است نه به معنای آغاز زندگی مشترک با انسانی که می‌تواند او را درک کند و زندگی را برای یکدیگر راحت و معنادار کند: «آدم هر قدر شوی خوب هم که داشته باشه، از خانه آته خود که رفت، دلش خالی موشه، نمی‌تانه جلو گریه خود را بگیره...» (ص ۱۶) و یا «جنگ هم سر او را خورد و هم سر صفر را. لاکن نامید سرخورده مه شدم» (ص ۱۰۷). این دو نمونه نشان می‌دهد که زنان در جامعه‌ی افغانی در چه جایگاه و وضعیتی به‌سر می‌برند. نتیجه‌ی این وضعیت چیزی نیست جز انکار هویت انسانی «زن».

از طرف دیگر، همین وضعیت است که زنان را در دسته‌ی فروتر از مردان قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا آن‌ها در یک طیف دیگر جامعه (که لزوماً از مزایایی که یک موجود به‌عنوان انسان از آن باید برخوردار باشد، برخوردار نیستند)

قرار بگیرد. در چنین حالت، زندگی آن‌ها خودبه‌خود شکل دیگر به خود می‌گیرد و با ارزش‌ها و اصول زندگی انسانی قابل تعریف نیست. به‌عنوان نمونه، نکته‌ای جالب درباره‌ی رمان «گلیم‌باف» در این زمینه این است که احساسات زندگی پاتو در تضاد با احساسات و شاید حتا ارزش‌های زندگی دیگران قرار می‌گیرد (برای همین ما در این‌جا از اصطلاح «زندگی متناقض» یاد کردیم). وقتی که دیگران غمگین است شخصیت اصلی داستان خوش‌حال است و وقتی که دیگران خوش‌حال است او غمگین. اما وقتی که به این موضوع عمیق‌تر نگاه شود واضح می‌شود که چنین طرز دید نسبت به زندگی، در ارزش‌ها و قوانین چندین قرنه و فرسوده‌ی این جامعه ریشه دارد. او که گاهی از وقوع جنگ خوشحال است دلیل مشخص برای داشتن چنین احساس دارد. زمانی که جنگ شدت بگیرد ممکن است مردی (صفر) در آن جنگ کشته شود که قرار است پاتو را بدون این‌که اندک‌ترین تمایل و رضایتی به این کار داشته باشد، به نکاح او دربیاورند و در نهایت او تبدیل شود به یک «بزار» و جسم بی‌هویت برای آن مرد. یعنی خوشحالی برای زنده ماندن چنین افراد برای پاتو ممکن است بدبختی ابدی به بار آورد و بنابراین شریک شدن با خوشحالی دیگران در این مورد برای او بی‌معنا است. البته صرفاً در این مورد نیست که پاتو چنین احساسی دارد بلکه در موارد دیگر نیز با چنین احساسات، که در تناقض با احساسات دیگران است، درگیری دارد. برای زنی چون پاتو، و با توجه به ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه در خصوص زنان، غم آرامش‌بخش و کامیابی‌ها تلخی‌آورند. شاید همه‌ی این‌ها به این برگردد که جامعه قانونی را برای بهتر زیستن زنان در نظر نگرفته است. زندگی پاتو از زندگی جمع جدا شده است. او خودش نیز به این امر اذغان می‌دارد: «جدا شده بود سرنوشتم از دیگران.» چون او در جامعه‌اش جایگاهی ندارد پیروزی و شکست دیگران نیز معنای خاصی برای او ندارد. او تلاش می‌کند سرنوشتش را با داستان خودش رقم بزند، اما جامعه چنین اجازه‌ی را به او نمی‌دهد. از این‌رو او همچنان نگران سیه‌روز شدن خودش است و خودش را جدا از دیگران می‌یابد: «اگر روز مه سیاه شوه، چه فرق موکنه که آیا شوروی پیروز شوه یا مجاهدین؟» (ص ۹۲).

در نهایت این که رمان «گلیم‌باف» نه به لحاظ زیبایی‌شناختی بلکه به لحاظ این‌که تا چند توانسته «وضعیت» زندگی یک زن را واقع‌بینانه بازگویی کند، مهم است. ممکن است یک اثر ادبی به لحاظ فرمی بی‌نظیر باشد، اما به لحاظ محتوایی و ارتباط با امر واقع چندان موفق نباشد. من فکر می‌کنم «گلیم‌باف» در مورد دوم موفق عمل نموده است. چه آن‌که چنین رویکرد نسبت به ادبیات در نزد جدی‌ترین و مشهورترین چهره‌های ادبی جایگاه ویژه دارد و ادبیات را به‌عنوان یک کنش سیاسی و اخلاقی در نظر می‌گیرند که می‌تواند «تغییر» در جامعه ایجاد کند.

ترجمه

هدیه بیژن، دختری زاده‌ی افغانستان و مقیم استرالیا، برنده جایزه‌ی نمایشگاه بین‌المللی علوم و انجینیری شد

منبع: سارا لانس‌داون، کانبرا تایمز
ترجمه: شریفه عرفانی

تحقیق در مورد چگونگی تجزیه مواد در خاک، یکی از دانش‌آموزان «لیسه لینهام» واقع در کانبرا استرالیا را مستحق دریافت رتبه دوم در یک مسابقه معتبر بین‌المللی علمی کرد. «هدیه بیژن» با الهام گرفتن از وضعیت زادگاهش افغانستان و سایر کشورهای در حال توسعه، درصد برآمد تا روش‌های موثر و کم‌هزینه مدیریت پسماند در محل‌های دفن زباله را کشف کند. این دانش‌آموز صنف دهم، آزمایشی را طراحی کرد تا بفهمد آیا میزان اسیدیته خاک بر سرعت تجزیه مواد زیست تجزیه‌پذیر تأثیر دارد یا خیر. او کارتن‌های تخم‌مرغ را در ظروف حاوی خاک با سطح pH مختلف قرار داد و تعدادی کرم خاکی و ضایعات میوه برای کمک به تجزیه به آن‌ها افزود. وی دریافت که هرچه خاک اسیدی‌تر باشد، سرعت تجزیه بیشتر است، یافته‌ای که می‌تواند وضعیت محل‌های دفن زباله را بهبود بخشد.

بیژن گفت: «روند عظیمی که در حال حاضر در محل دفن زباله‌ها مشاهده می‌شود این است که عوامل لازم برای تجزیه هوزی مواد زیست‌تجزیه‌پذیر و تجزیه‌کننده‌ها فراهم نمی‌شود، و همین‌طور آکسیجن. بنابراین، تجزیه غیرهوزی صورت می‌گیرد و در نتیجه گازهای گلخانه‌ای مضر مانند میتان و کاربن‌دای‌اکساید و شیرابه (مایعی که از داخل زباله عبور کرده و به بیرون زایدات جامد نشأت می‌کند) آزاد می‌شود که ماده‌ای پر از فلزات سنگین است و با نفوذ به مجاری آب، خاک و آبراهه‌ها را آلوده می‌کند.»

خانم بیژن پروژه خود را به «نمایشگاه علوم و انجینیری ای‌سی‌تی» ارائه داد و موفق شد به مرحله جوایز ملی «علوم و انجینیری بنیاد بی‌اچ‌پی» برسد. سپس به عنوان یکی از هفت دانشجوی استرالیایی برای حضور در «نمایشگاه بین‌المللی علوم و انجینیری رجرون» انتخاب شد.

اواخر شب در اواسط ماه می بود که او در یک برنامه پخش مستقیم از ایالات متحده خبر پیروزی‌اش و کسب

مقام دوم در رشته شیمی را شنید. او می‌گوید: «من از شنیدن این خبر و این‌که دانستم واقعا زحمات پدر و مادرم را جبران کرده‌ام، خیلی خوشحال بودم، به خاطر این‌که آن‌ها برای من خیلی فداکاری کرده‌اند.»

خانم بیژن متولد افغانستان است و در سه و نیم سالگی به همراه خانواده‌اش به استرالیا مهاجرت کرده تا پدرش، دکتر نعمت‌الله بیژن بتواند دکترایش را دانشگاه ملی استرالیا اخذ کند. وی به همراه خانواده‌اش به هند، پاکستان و چین و افغانستان سفر کرده و در طول همین سفرها بود که متوجه کمبود منابع و استراتژی‌های مدیریت پسماند در این کشورها شد.

او می‌گوید: «[افغانستان] واقعا فرهنگی غنی دارد، فرهنگی بسیار پر تکاپو و مردم علی‌رغم آن‌چه که برسرشان می‌آید، بسیار مهربان و مقاوم هستند. می‌خواهم بگویم که منشأ واقعی اشتیاق من همان‌جاست، زیرا من اهل آن‌جا هستم، در آن‌جا ریشه دارم و مشکلاتی را در آن‌جا دیدم که در استرالیا نمی‌بینم و با خود فکر کردم که چرا

آن‌جا چنین وضعیتی دارد، اما این‌جا نه؟» خانم بیژن تصمیم دارد پس از اتمام دوره مکتب، به علاقه خود در بخش علوم بپردازد و به یک کمپ انجینیری مجازی به میزبانی دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی دعوت شده است. او قصد دارد پس از اتمام دوره مکتب، در دو رشته حقوق و علوم تحصیل کند. پروژه وی باعث پیدایش ایده‌های تحقیقاتی بیشتری شده است، از جمله آزمایش مواد تجزیه‌ناپذیربستی و بررسی چرخه کربن.

او می‌گوید: «من ارزش تحصیل را صرفاً به خاطر جایی که از آن‌جا آمده‌ام درک می‌کنم و پدر و مادرم نیز همیشه مرا ترغیب کرده‌اند تا از فرصت‌هایم بیشترین بهره را ببرم و تا جای ممکن تحصیلاتم را پیش ببرم. من قطعاً در آینده در رشته علوم ادامه تحصیل می‌دهم و پروژه‌های بیشتری را پیش خواهیم برد و با دانشمندان صحبت خواهیم کرد و تمام تلاشم این خواهد بود که تا جای ممکن علم و آنچه برای کمک به این جهان از من ساخته است، بیاموزم.»

دادستانی امریکا توانست ۲ میلیون دلار از باج پرداخت شده به هکرها را پس بگیرد

اطلاعات روز: وزارت دادگستری امریکا اعلام کرده موفق شده بخش اعظم باج ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار دلاری که ماه گذشته شرکت خط لوله نفتی کلونیال به هکرها پرداخت کرده بود را پس بگیرد. هکرها که محل حضورشان شرق اروپا و به گفته کاخ سفید احتمالاً روسیه بود توانسته بودند با هک این خطوط انتقال نفت در شرق امریکا، بخش بزرگی از این منطقه را با کمبود سوخت و بالارفتن قیمت آن مواجه کنند.

ماجرای هک خط لوله نفت چه بود؟

بنابر گزارش خطوط لوله نفت و سوخت کلونیال، این شرکت مسئول توزیع و سوخت رسانی به ۴۵ درصد مناطق در شرق امریکا است و هک شدن سیستم‌های آن در اواسط ماه مه موجب اختلال جدی در سوخت رسانی و تعطیلی بسیاری از پمپ بنزین‌ها در کرانه شرقی این کشور شده بود. اما اکنون لیزا موناکو، معاون وزیر دادگستری امریکا می‌گوید کارآگاهان دادستانی توانسته‌اند ۶۳.۷ بیت کوین را پیدا و ضبط کنند که در مجموع ارزش آنها معادل ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار است که معادل بیش از ۵۰ درصد باج ۴.۴ میلیون دلاری پرداخت شده از سوی شرکت کلونیال به هکرها است. دولت امریکا بارها به شرکت‌های خصوصی توصیه کرده از پرداخت باج به هکرها پرهیز کنند چرا که چنین کاری موجب تشویق آنها برای حملات بعدی می‌شود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، این عملیات دادگستری در بازپس‌گیری این باج‌ها هم اکنون می‌تواند هشدار جدی به هکرها تلقی شود چرا که اکنون آنها نمی‌توانند از مصونیت باج‌های دریافت شده مطمئن باشند.

صدها عضو شبکه جرایم سازمان‌یافته بازداشت شدند

اطلاعات روز: پولیس استرالیا، امریکا و اروپا پس از نفوذ در یک اپلیکیشن، در عملیاتی که سه سال به طول انجامید، توانستند دست‌کم ۸۰۰ خلافکار را در سراسر جهان بازداشت کنند.



بنابر این گزارش از سال ۲۰۱۸ پولیس استرالیا و اداره تحقیقات فدرال امریکا (اف بی آی) موفق شدند با نفوذ در یک اپلیکیشن رمزگذاری شده به نام ANOM یک شبکه جرایم سازمان‌یافته را تحت پیگرد قرار دهند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، به دنبال این عملیات شمار زیادی از اعضای باند‌های تبهکار که در تجارت جهانی مواد مخدر دست داشتند، در ۱۸ کشور از جمله در قاره استرالیا، آسیا، امریکای جنوبی و خاورمیانه بازداشت شدند.

در این عملیات مواد مخدر، اسلحه، وسایل نقلیه لوکس و پول نقد نیز کشف و ضبط شد. هشت تن کوکائین، ۲۵۰ قبضه سلاح و بیش از ۴۸ میلیون دلار (۳۴ میلیون پوند) ارزهای مختلف جهان و همچنین مقادیری رمز ارز به دست آمد. پولیس می‌گوید این «بزرگترین عملیات اجرای قانون علیه ارتباطات رمزگذاری شده» است. اسکات موریسون نخست وزیر استرالیا از این عملیات ضربه سنگین و لحظه‌ای تاریخی خوانده است. او گفته این عملیات ضربه سنگینی علیه جرایم سازمان یافته وارد کرده است، ضربه‌ای که نه فقط در استرالیا بلکه در مورد جرایم سازمان یافته در سراسر جهان طنین انداز خواهد شد.

پولیس استرالیا اولین نهادی بود که خبر این عملیات را که «Ironsides» نامیده می‌شود انتشار داد. مقامات ادعا کردند اپلیکیشن آنوم «ANOM» یکی از پیام‌رسان‌های محبوب باندهای جرایم سازمان یافته است. طرح این عملیات با همکاری اف بی آی تدوین شده بود. قرار است پولیس امریکا و اروپا اطلاعات خود را امروز در یک نشست خبری ارائه دهند.

وزیر خارجه امریکا:

هنوز مطمئن نیستیم که ایران می‌خواهد به تعهدات خود در برجام بازگردد

اطلاعات روز: بعد از سپری شدن پنج دور از مذاکرات وین و در آستانه دور جدید این گفت‌وگوها، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، گفت: ایالات متحده هنوز از تمایل ایران برای بازگشت به تعهدات برجامی خود، مطمئن نیست.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا روز دوشنبه، هفدهم جوزا، در نشست اعضای کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان امریکا گفت، با توجه به پایان پنجمین دور از مذاکرات غیر مستقیم ایران و امریکا در وین و در آستانه دور ششم آن در روزهای آینده، امریکا هنوز مطمئن نیست که جمهوری اسلامی می‌خواهد به توافق‌های صورت گرفته در سال ۲۰۱۵ موسوم به برجام بازگردد.

بلینکن با اشاره به پایان پنجمین دور از مذاکرات غیر مستقیم ایران و امریکا در وین گفت: «مقامات ایرانی برخلاف ادعای خود، رفتاری مغایر با آنچه امکان دارد که دو طرف را به مذاکرات برجام باز گرداند، انجام می‌دهند»

و هنوز تمایلی از خود برای انجام اقدامات لازم برای بازگشت به برجام را نشان نداده‌اند.»

به نقل از ایران اینترنشنال، بلینکن در این نشست با اشاره به اقدام ایران در به کارگیری سانتریفیوژهای پیشرفته و غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد، گفت که این اقدامات زمان دستیابی ایران به سلاح اتمی را کاهش داده است.

او با اشاره به فاصله ایران با دستیابی ایران به سلاح اتمی که پیشتر یک سال پیش‌بینی شده بود، گفت که در حال حاضر این فاصله به کمتر از چند ماه رسیده و در صورت تداوم شرایط فعلی ممکن است به چند هفته کاهش یابد. وزیر امور خارجه امریکا در آستانه ششمین دور از مذاکرات برجام در وین به اعضای مجلس نمایندگان امریکا گفت که «ما با وجود زمانی کمی که ایران برای توانایی دستیابی به سلاح اتمی دارد، ما هنوز حتی به مرحله اجرای متقابل تعهدات هم نرسیده‌ایم.»

همزمان رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی



راننده کامیون «عامدانه» چهار عضو یک خانواده مسلمان را در کانادا زیر گرفت و کشت

اطلاعات روز: پولیس استان انتاریو کانادا می‌گوید راننده کامیون «عامدانه» و با انگیزه ناشی از «نفرت» چهار عضو یک خانواده مسلمان را زیر گرفت و کشت. یک پسر ۹ ساله تنها بازمانده این حادثه است که به سبب شدت جراحات در بیمارستان بستری است.

متهم یک جوان ۲۰ ساله کانادایی است که در حال حاضر با اتهام چهار فقره قتل و یک فقره اقدام به قتل مواجه است.

چه جزئیاتی تا کنون منتشر شده است؟ یک مادر بزرگ ۷۴ ساله و یک زن ۴۴ ساله به همراه یک مرد ۴۶ ساله و دختر نوجوان ۱۵ ساله آنها، قربانیان این حمله بوده‌اند. تنها نجات یافته این حمله یک پسر ۹ ساله است که به شدت آسیب دیده اما مقام‌ها می‌گویند زنده خواهد ماند.



حمله، ابراز همدردی کرده است. سرشماری سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که شهر لندن کانادا که در حدود ۲۰۰ کیلومتری جنوب غربی تورنتو قرار گرفته، به لحاظ جمعیتی بافتی متنوع دارد. در این شهر از هر پنج نفر یک نفر در خارج متولد شده است و شهروندان عرب‌تبار بزرگترین اقلیت این شهر را تشکیل می‌دهند.

به نظر می‌رسد حمله مرگبار اخیر، پس از حمله سال ۲۰۱۷ به یک مسجد در شهر کبک سیتی کانادا، بدترین حملات از این دست باشد.

در حمله به مسجد شهر کبک شش نمازگزار کشته شدند. متهم آن پرونده به حبس ابد محکوم شد. قتل عمد در کانادا به طور طبیعی برای قاتل حبس ابد بدون اجازه درخواست عفو برای ۲۵ سال را به همراه می‌آورد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، پولیس بنا بر درخواست بازماندگان این خانواده اسامی آنها را منتشر نکرده است اما راننده کامیون را «ناتانیال ولتمن» ۲۰ ساله و اهل شهر لندن در استان انتاریو معرفی کرده است. احتمال می‌رود مهاجم با اتهام «تروریسم» مواجه شود. متهم بدون درگیری در یک مرکز خرید در شش کیلومتری محل جنایت دستگیر شد.

پولیس می‌گوید «اعتقاد بر این است که این قربانیان به دلیل مسلمان بودن مورد هدف قرار گرفته‌اند.» بنابر اعلام پولیس «هنوز مشخص نیست که مهاجم با گروه‌های افراطی در تماس بوده است یا نه.»

جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا ضمن هولناک خواندن این واقعه از جامعه مسلمان مقیم شهر لندن انتاریو و مسلمانان کانادا حمایت کرده و با بازماندگان قربانیان از جمله پسر بیچه ۹ ساله زنده مانده از این

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی
۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی
بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرزی
مترجم: جلیل پژواک
ویراستار: شیر مهریار
صفحه آرا: رضا مظفری
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا
شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه
شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۷۲۹۰۰۱۸۷ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷
توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

معينيت مالي و اداري
رياست تهيه و تداركات
آمریت تداركات اجناس و خدمات غيرمشورتي

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G-29/1400

رياست تهيه و تداركات وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرايط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه (تدارک، انتقال و نصب ۷۸ قلم اجناس و وسايل مورد ضرورت پروژه کمر بندسبز کابل) تحت داوطلبی باز داخلي با شماره تشخيصیه (MAIL/PD/NCB/G-29/1400) اشتراك نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرايط شرطنامه طبق قانون و طرز العمل تداركات عامه الی ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز (پنجشنبه) مورخ (۱۰-سرطان-۱۴۰۰) ارايه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی باشند. تضمین آفر مبلغ (۶۶۰,۰۰۰) شش صد و شصت هزار افغانی طبق شرطنامه و شرايط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تداركات عامه) می باشد.

آدرس مکان جلسه: منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت، عقب تعمیر منابع بشري دفتر آفرگشایی.

داوطلبان می توانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وبسایت، داوطلبان می توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تداركات اجناس و خدمات غيرمشورتي ریاست تهيه و تداركات واقع تعمیر معینیت مالی و اداري منزل اول بصورت رایگان بدست آورند.

نوت: جلسه قبل از داوطلبی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز دوشنبه مورخ ۳۱-جوزا-۱۴۰۰ در آمریت تداركات اجناس و خدمات غيرمشورتي ریاست تهيه و تداركات واقع منزل اول تعمیر معینیت مالی و اداري، وزارت زراعت، آبياري و مالداري دایر می گردد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

معينيت مالي و اداري
رياست تهيه و تداركات
آمریت تداركات اجناس و خدمات غيرمشورتي

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تداركات به اطلاع عموم رسانیده می شود که وزارت زراعت، آبياري و مالداري در نظر دارد تا پروژه (تدارک ۹ قلم تجهیزات و مواد کیمیاوی مربوط لابراتوار تولید واکسین های حیوانی مرکز با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G111/1400) را به شرکت محترم تجارتي زمین شیرین دارای جواز نمبر (۴۷۸۱۷) به قیمت مجموعی مبلغ (۱,۳۱۲,۲۰۰) یک میلیون و سه صد و دوازده هزار و دوصد افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهيه و تداركات وزارت زراعت، آبياري و مالداري واقع کارتهسخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تداركات ارايه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/SNaPP2/12052021/NCB

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2 وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرايط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه تهيه و خریداری ۵۰۵۰۰ قطعه چوپه مرغ برای ولایت ننگرهار را مطابق به مشخصات ارايه شده در شرطنامه اشتراك نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تداركات پروژه SNAPP2 و یا از وبسایت اداره تداركات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالداري (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرايط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تداركات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۲/۰۴/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تداركات برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره به تاریخ ۱۲/۰۴/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه SNAPP2 واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري دایر می گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰) شش صد هزار افغانی می باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرني، اوبو لگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالداري

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/SNaPP2/02012021/NCB

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2 وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرايط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه تهيه و خریداری کود کیمیاوی یوریا برای ولایت های پروان، لوگر، بغلان، هرات، بلخ و ننگرهار مطابق به مشخصات ارايه شده در شرطنامه اشتراك نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تداركات پروژه SNAPP2 و یا از وبسایت اداره تداركات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالداري (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرايط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تداركات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۳/۰۴/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تداركات برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره به تاریخ ۱۳/۰۴/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه SNAPP2 واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالداري دایر می گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰) یک صد و پنجاه هزار افغانی می باشد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

سیر تکامل و احتمال احیای مجدد تحریک طالبان پاکستان (۵)

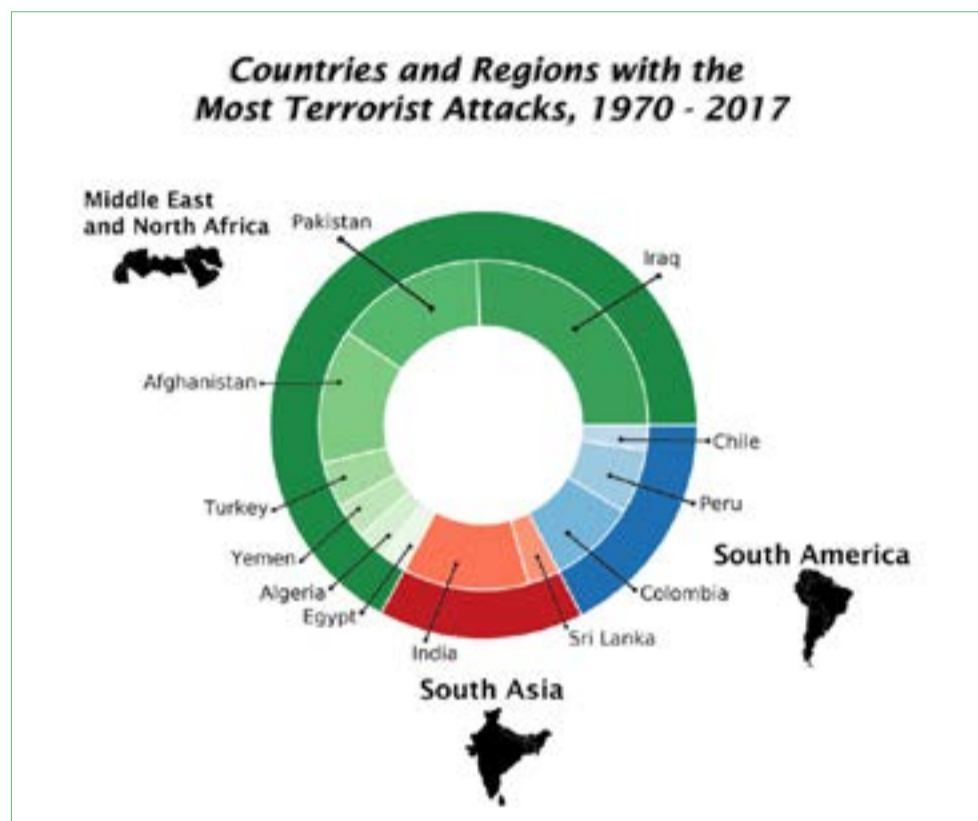
تحریک طالبان پاکستان و بی اهمیت جلوه دادن پیام آن در پاکستان، در گرو تأمین امنیت مناطق قبایلی از طریق غیر نظامی است. ظرفیت عملیاتی تحریک طالبان پاکستان به‌طور قابل ملاحظه‌ای با استفاده از روش‌های نظامی کاهش یافته است. بزرگ‌ترین چالش اکنون در این است که دولت پاکستان مطمئن شود که جذابیت روایت و ایدئولوژی تحریک طالبان پاکستان از سیر نزولی که این گروه پس از حملات به مدارس و دانشگاه‌ها تجربه کرده‌اند، بر نمی‌گردد.

به‌طور خاص، علاوه بر افزایش ظرفیت پلیس، نیاز به فقرزدایی از طریق ایجاد اشتغال، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی نیز وجود دارد. دولت پاکستان همچنین باید مکان‌ها و روند شفاف را فراهم کند که از طریق آن غیرنظامیان می‌توانند شکایت‌های مشروع خود را بیان کنند و به‌جای سرکوب جنش‌های اعتراضی مسالمت آمیز، با آن‌ها کار کنند یا دستکم همکاری کنند. سرکوب آن‌ها فقط باعث بیگانه شدن جمعیت و افزایش جذابیت جنش‌های خشونت‌آمیز می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری طولانی مدت در پروژه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و ایجاد واحدهای با صلاحیت‌های اجرای قانون در مناطق تحت تأثیر تحریک طالبان پاکستان که اهداف مکرر تحریک طالبان پاکستان هستند، بسیار مهم است. علاوه بر این، تلاش‌ها در شمال غربی پاکستان باید فراتر از توانمندی سیاسی محلی باشد و بر حاکمیت قانون، تحقق عدالت و تأمین کالاهای اساسی عمومی برای تقویت امنیت انسانی تمرکز کند. چنین اقداماتی در دوره‌ای که ایالات متحده با بیماری همه‌گیر کوید-۱۹ روبه‌رو شده و از شکاف‌های حاکمیتی ممکن است توسط بازیگران خشن مورد سوء استفاده قرار گیرد، بسیار مهم‌تر است. اگرچه ادغام مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه گامی در مسیر درست است، اما دولت باید منابع قابل توجهی را برای اصلاح دهه‌ها غفلت و کمک به جلوگیری از نفوذ تحریک طالبان پاکستان اختصاص دهد.

اگر چنین اقداماتی را انجام دهد، دولت پاکستان باید از حمایت دولت ایالات متحده برخوردار شود. منافع مشترک دو کشور برای اطمینان از عدم احیای مجدد تحریک طالبان پاکستان است و همکاری ایالات متحده و پاکستان در این جبهه به سود هر دو طرف خواهد بود. از دیدگاه پاکستان، تحریک طالبان پاکستان حتماً با ظرفیت کمتری که دارد، تا زمانی که ایدئولوژی افراطی خود را تبلیغ کند و به استخدام و حملات در داخل کشور ادامه دهد، تهدیدی برای دولت پاکستان و غیرنظامیان آن است.

در خصوص امریکا، اگرچه تحریک طالبان پاکستان تهدید مستقیمی برای سرزمین مادری امریکا محسوب نمی‌شود، اما اهداف متحول این گروه و افزایش هدف قرار دادن مقامات ایالتی به‌جای غیرنظامیان، می‌تواند به منبع بی‌ثباتی در منطقه تبدیل شود و برای منافع ایالات متحده مضر باشد. این امر که تحریک طالبان پاکستان پناهگاهی برای القاعده فراهم کرده و عملیات آن‌را در گذشته تسهیل کرده است، به‌طور گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده است و به نظر می‌رسد تحریک طالبان پاکستان این روابط را قطع نکند. در این زمینه، ایالات متحده و پاکستان می‌توانند از طریق منافع هم‌پوشانی خود در محدود کردن گروه‌های شبه نظامی مانند تحریک طالبان پاکستان از طریق رویکردهای پنهانی که ممکن است روابط کلی پاکستان و ایالات متحده را نیز بهبود بخشد، استفاده کنند. زمینه‌های کلیدی که می‌تواند از طریق حمایت ایالات متحده برای مبارزه با افراط‌گرایی و ستیزه‌جویی در پاکستان تقویت شود، اقدامات مقابله با افراط‌گرایی خشن، ابتکارات آموزشی و اقتصادی و اصلاحات حکومتی در مناطق تحت تأثیر جنگ است. این کمک می‌تواند به شکل اشتراک دانش و تخصص در زمینه مقابله با افراط‌گرایی خشن باشد. ایالات متحده در حال حاضر بزرگ‌ترین اهدا کننده‌ی کمک دو جانبه به پاکستان است و باید برخی از کمک‌های توسعه‌ای را برای حمایت از چنین ابتکاراتی هدایت کند.

پایان



عاقلا نه نیست که دولت پاکستان تلاش قابل توجهی را در راستای تلاش برای مذاکره با تحریک طالبان پاکستان انجام دهد. گذشته از این واقعیت که دولت دلیل کمی برای مذاکره با یک گروه تروریستی دارد که بیشتر از پنج سال تهدید بزرگی برای دولت ایجاد نکرده است، مذاکرات به احتمال زیاد بی‌ثمر خواهد بود، زیرا در رویکرد گروه اصلی تحریک طالبان پاکستان هیچ نشانه‌ای از تمایل برای یافتن یک راه‌حل مسالمت‌آمیز یا چشم‌پوشی آنان از خشونت، دیده نمی‌شود.

و می‌خواهد ارتباط سیاسی خود را نیز حفظ کند و با جلب نظر در مورد گلاویه‌های محلی، روند جذب نیرو را تقویت کند. ریشه بسیاری از این شکایات را می‌توان به مقررات جرایم مرزی، قانونی مربوط به دوران استعمار در مورد پنج میلیون نفر از ساکنان مناطق قبایلی تحت اداره فدرال، که آن‌ها را حقوق اساسی - از جمله نمایندگی سیاسی، تجدید نظر در دادگاه و آزادی از مجازات جمعی - محروم کرده بود، جستجو کرد. مناطق قبایلی تحت اداره فدرال در سال ۲۰۱۸ با خیبر پشتونخواه ادغام شد، که با دسترسی محدود به خدمات بهداشتی، آموزشی، شغلی و سایر خدمات عمومی، همچنان یکی از فقیرترین مناطق پاکستان است. طبق برخی تخمین‌ها، دو سوم جمعیت مناطق قبایلی تحت اداره فدرال سابق در فقر زندگی می‌کنند. ساکنان همچنین از نقض گسترده حقوق بشر و گرفتار شدن در میان آتش بین گروه‌های شبه نظامی و ارتش پاکستان شکایت کرده‌اند. یکی از مظاهر این سرخوردگی، محبوبیت روزافزون جنبش تحفظ پشتون است که رهبر آن، منظور پشتین، در مورد قربانیان آدم‌ربایی و قتل‌های غیرقانونی صحبت کرده و از ارتش پاکستان خواستار تخلیه مناطق قبیله‌ای شده است. ادغام مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و ایالت خیبر پشتونخواه از طریق اصلاحیه قانون اساسی در ماه می ۲۰۱۸ تا حدی با هدف کمک به کاهش موضوعات نامنی و توسعه نیافتگی صورت گرفت، اما این که چقدر می‌توان با این چالش‌ها به‌راحتی مقابله کرد، هنوز کاملاً نامشخص است. ترکیب خطرناک درک فراگیر از بی‌عدالتی و سرکوب هرگونه جنبش اعتراضی بدون خشونت، زمینه مناسبی را برای تحریک طالبان پاکستان فراهم می‌کند تا تلاش کند که از شکایات علیه دولت استفاده کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این خطر، محدود کردن احتمال احیای مجدد

دولت است که فعالیت جهادی را مورد سوء استفاده و عادی‌سازی قرار می‌دهد. این امر به‌ویژه از آن جهت مهم است که زیرساخت‌های شبکه‌های ستیزه‌جویی در پاکستان و افغانستان تمایل به ایجاد همکاری ستیزه‌جویانه در دو سطح فردی و سازمانی دارد که اغلب مرزهای میان برنامه‌های مشخص گروه‌ها را تاری می‌کند. علاوه بر این، تلاش‌های تحریک طالبان پاکستان برای ایجاد یک برنامه جهادی فراملیتی نباید نادیده گرفته شود. در حالی که مجله رسمی تحریک طالبان پاکستان به‌طور کلی در خصوص ایدئولوژی دیوبندی، الهیات اسلامی و اهداف گروه بحث می‌کند، این نشریات همچنین دارای مقالاتی درباره‌ی جهاد جهانی، با اشارات خاص به کشمیر و هند است. این امر نشان می‌دهد که تحریک طالبان پاکستان به دنبال پیروی از القاعده در شبه‌قاره هند و دولت اسلامی خراسان در بهره‌برداری از شکایات جمعیت کشمیری است. اگرچه بعید به نظر نمی‌رسد که تحریک طالبان پاکستان سلطه‌ی گروه‌های مسلط بر جهاد کشمیری مانند لشکر طیبه را بشکند، اما ممکن است به دنبال جذب افراد سرخورده از این گروه‌ها باشد. با توجه به روابط نزدیک القاعده در شبه قاره هند با قبیله محسود، خطر ایجاد ارتباط نزدیک‌تر تحریک طالبان پاکستان با القاعده در شبه قاره هند برای جلب مخاطبان بیشتر وجود دارد. این نشان می‌دهد که مقابله با تحریک طالبان پاکستان به‌طور کافی مستلزم به‌کارگیری عملیات مبتنی بر اطلاعات برای شناسایی، پاییدن و برهم زدن شبکه‌های جنگ‌جویی به‌هم پیوسته است. وقتی همکاری بین اجرای قانون، اطلاعات و ارتش در سراسر ایالت‌ها وجود داشته باشد، احتمالاً چنین رویکردی شمر ثمر است.

اقدامات سیاسی دولت باید شامل تلاش‌های هماهنگ برای بهبود حکمرانی در مناطقی باشد که تحریک طالبان پاکستان سنگرهای خود را در آن‌جا حفظ کرده است

فاطمه فرامرز

نگه‌داشتن تحریک طالبان پاکستان در خندق

در حال حاضر چهار ویژگی اصلی تحریک طالبان پاکستان - به‌شمول ماهیت در حال تکامل آن، عزم برای احیای مجدد، جذابیت بالقوه برای رساندن پیام به جمعیت آسیب‌دیده و غوطه‌ور شدن جنگ‌جویان آن در فضای گسترده‌تر - به‌عنوان خطرناک‌ترین ویژگی آن برجسته است. دولت پاکستان برای تضعیف جذابیت ایدئولوژی اصلی تحریک طالبان پاکستان، محدود کردن تبلیغات و استخدام‌های آن و ایجاد اختلال در همکاری آن با سایر گروه‌های مرگبار، نیاز به اتخاذ تدابیری دارد که فراتر از رویکردهای جنبشی باشد. پاکستان قبلاً اقدامات قابل توجهی مانند تأسیس مرکز سایون که بر افراط‌زدایی از نوجوانان متمرکز است و مرکز مشعل را که با خانواده‌های جنگ‌جویان اسلامگرا کار می‌کند، در این زمینه انجام داده است. چنین تلاش‌هایی باید برای بهبود مستمر با دقت ارزیابی شود و برای تأمین اعتبار، در اولویت قرار گیرد.

عاقلا نه نیست که دولت پاکستان تلاش قابل توجهی را در راستای تلاش برای مذاکره با تحریک طالبان پاکستان انجام دهد. گذشته از این واقعیت که دولت دلیل کمی برای مذاکره با یک گروه تروریستی دارد که بیشتر از پنج سال تهدید بزرگی برای دولت ایجاد نکرده است، مذاکرات به احتمال زیاد بی‌ثمر خواهد بود، زیرا در رویکرد گروه اصلی تحریک طالبان پاکستان هیچ نشانه‌ای از تمایل برای یافتن یک راه‌حل مسالمت‌آمیز یا چشم‌پوشی آنان از خشونت، دیده نمی‌شود. مشکلات مذاکره در مورد توافق با تحریک طالبان پاکستان نه تنها شامل سابقه شطرنجی آن در نقض توافقات قبلی مانند توافق ملکنده، بلکه ماهیت پراکنده آن است. مذاکرات صلح اغلب با یک سازمان پراکنده کارگر نیست، زیرا گروه‌ها احساس خطر می‌کنند اگر توافق سیاسی قدرت رقبای‌شان را فراهم کند. تحریک طالبان پاکستان مانند طالبان افغانستان از انسجام داخلی برخوردار نیست و جنگ‌های قدرت در درون گروه‌ها می‌تواند منجر به خشونت شدید و طولانی شود، زیرا جناح‌ها به خشونت‌های انفجار و برادرکشی روی آورده‌اند. رقابت داخلی همچنین می‌تواند منجر به گسیختگی شود و در خصوص تحریک طالبان پاکستان، دولت اسلامی خراسان یک خانه جایگزین جذاب برای اعضای آن بوده و ممکن است در آینده نیز باشد.

در حالی که مسیر مذاکره به‌طور کامل بسته شده است، اگر این کشور بخواهد احتمال احیای مجدد تحریک طالبان پاکستان را صفر کند، چندین راه امیدوار کننده دیگر نیز برای دولت پاکستان باز است. در وهله اول، برای مقابله با افراط‌گرایی خشن و تلاش برای ریشه‌کن کردن ریشه‌های ادغام مجدد بالقوه جنگ‌جویان در مناطق تحت تأثیر تحریک طالبان پاکستان، تلاش و منابع بسیاری لازم است. دولت پاکستان - با حمایت مالی ایالات متحده - باید فعالیت‌های سازمان‌های مردمی موجود در مقابله با افراط‌گرایی خشن را از جمله با تأمین امنیت تسهیل کند و احتمالاً این تلاش‌ها با سازمان‌های تحت هدایت دولت تکمیل می‌شود. علاوه بر این، دولت پاکستان می‌تواند از تلاش‌های تحقیقاتی که بر کشف پویایی محلی شکل دادن به رادیکال‌سازی و استخدام برای توسعه برنامه‌های مقابله با افراط‌گرایی خشن با دقت هدف پشتیبانی می‌کند، حمایت کند.

به‌طور مشابه، دولت و جوامع محلی باید مایل به ادغام جنگ‌جویان سابق باشند که ممکن است مایل به مسلح شدن باشند. با این حال پیروزی بر جوامع کار ساده‌ای نیست، زیرا دولت‌ها را ملزم به ایجاد اعتماد و مشروعیت از طریق طرح‌های اقتصادی پایدار می‌کند. یکی از موانع اصلی این برنامه‌های تحت حمایت دولت، سابقه طولانی دولت پاکستان در پرورش گروه‌های جهادی، به‌طور فعال یا منفعل، در حمایت از اهداف استراتژیک خود در مرزهای شرقی و غربی است. به‌عبارت دیگر، دولت پاکستان به‌طور غیرمستقیم نقش مهمی در اشاعه ایدئولوژی‌های افراطی داشته است. محافظت از جمعیت آسیب‌پذیر پاکستان در برابر ایدئولوژی‌های خشن افراطی باید در اولویت قرار گیرد که شامل تجدید نظر در استراتژی‌های امنیتی